



جان ام . کوهن
 (مؤسسه هاروارد برای توسعه بین المللی)
 و
 نورمن تی . آپهوف (دانشگاه کورنل)
 ترجمه داوود حیدری

جایگاه مشارکت در

توسعه روستایی

فزاینده بر اندیشه‌هایی توسعه یافتگی در دهه ۱۹۷۰ سایه گسترده‌اند، گرایش پیدا کرده‌اند. در راستای این رویکردها، کارشناسان مسائل توسعه به برخی از مسائل مرتبط با راهبردهای توسعه و یکی از مهم‌ترین و در عین حال نادیده گرفته‌ترین آن‌ها، یعنی «مشارکت مردمی»، توجه نشان می‌دهند. پژوهش‌ها و فعالیت‌های روزافزونی برای افزایش ظرفیت دولت و اعطایکنندگان کمک‌های مالی برای ترویج مشارکت در برنامه‌های توسعه، در جریان است. با وجود همه این کوشش‌ها، واقعیت ناگواری این است که توافق اندکی درباره مفهوم مشارکت و ابعاد اصلی آن وجود دارد. هدف این مقاله ارائه درک بهتری از مسائل تازه‌ای است که در عرصه مشارکت در ادبیات توسعه پدید آمده و تعیین چارچوبی دقیق برای تشریح مفهوم مشارکت در توسعه روستایی و فراهم آوردن امکان کاربردی آن در طرح‌های توسعه فراگیر است.

چکیده
 در سال‌های اخیر، کارشناسان مسائل توسعه، بارها نگرانی فزاینده خود را از فقدان پیشرفت هر آگاه ساختن جهانیان از مصائب ناشی از فقر در مناطق روستایی ابراز داشته‌اند. به همین علت کارشناسان توسعه، الگوهای رشد مبتنی بر سرمایه‌گذاری مالی را که در دهه ۱۹۶۰ رایج بودند کنار گذاشته به سوی رویکردهای مبتنی بر تأمین نیازهای اولیه مردم که به گونه‌ای

از آن جا که «مشارکت» اساساً اصطلاحی توصیفی، شامل فعالیت‌ها و موقعیت‌های بی‌شمار است، امکان سردرگمی درباره علت و معلول‌ها و میزان و مقدار و توزیع آن‌ها وجود دارد. اگر بخواهیم با توجه به نوع خاصی از تلاش برای رسیدن به توسعه روستایی، درباره مشارکت بحث مفیدی داشته باشیم، لازم است روشن کنیم که منظور از مشارکت، در این موقعیت خاص، چیست. چارچوب کار ما مبتنی بر این فرض کلیدی است که «مشارکت» چیزی نیست یا وجود دارد یا وجود ندارد و نیز، چیزی نیست که بتوان آن را همچون ظرفیت یک سد یا مقدار تولید یک محصول کشاورزی سنجید. گرچه در برخی از مطالعات، مشارکت همچون مفهومی ارائه شده که به روشنی قابل تعریف و اندازه‌گیری است، اما ما تصمیم گرفته‌ایم، آن را همچون سرفصلی در نظر بگیریم که شماری از عناصر قابل تعریف را می‌توان زیر آن گرد آورد. این عناصر را می‌توان در چارچوبی موسوم به «مشارکت در توسعه روستایی» گرد هم آورد، ولی این کاملاً گمراه کننده خواهد بود اگر بخواهیم، این چارچوب را به گونه‌ای تعریف کنیم که مفاسد خلاصه و مختصر از آن حاصل شود. به جای این کار باید بکوشیم، شاخص‌های تجربی ابعاد گوناگون مشارکت را مشخص کنیم. بر این اساس، مشارکت یک مفهوم فراگیر و گسترده است که از طریق بررسی اجزای خاص و ملموس‌تر آن، بهترین رویکرد به آن به دست می‌آید.

محور اصلی در تشریح مفهوم مشارکت در توسعه روستایی، تمایز میان جنبه‌ها و شرایط مشارکت است. به طور خلاصه، «جنبه‌های مشارکت» یعنی نوع مشارکتی که روی می‌دهد، مجموعه افرادی که در فرایند مشارکت دخالت دارند و بالاخره ویژگی‌های گوناگون چگونگی شکل‌گیری این فرایند.

منظور از «شرایط مشارکت» نیز این است که معلوم شود چه رابطه‌ای میان ویژگی‌های یک پروژه توسعه روستایی و الگوهای مشارکت عملی وجود دارد. شرایط مشارکت همچنین مسأله محیط‌کاری را که پروژه در آن به اجرا در می‌آید، در بر می‌گیرد. این موضوع ذهن ما را متوجه ویژگی‌های تاریخی، زیست‌محیطی و اجتماعی می‌کند. ویژگی‌هایی که غالباً تأثیری شدید بر الگوهای در حال شکل‌گیری توسعه در یک پروژه معین توسعه روستایی دارند. در بخش بعدی، جنبه‌ها و شرایط مشارکت در توسعه روستایی تشریح خواهد شد.

الف) جنبه‌های مشارکت در توسعه روستایی
چارچوبی که ما عرضه کرده‌ایم، سه جنبه مشارکت را ترسیم می‌کند. سه جنبه مذکور اساساً به این پرسش‌ها پاسخ خواهند داد که: انواع مشارکت کدامند؟ چه کسانی در آن شرکت دارند؟ و فرایند مشارکت چگونه شکل می‌گیرد؟

در مورد هر یک از این جنبه‌ها بحث خواهیم کرد تا روشن شود، چگونه می‌توان در هنگام بحث در زمینه مشارکت دقیق و معین بود. جنبه نخست که به پرسش درباره انواع مشارکت می‌پردازد، در تمایز گذاشتن میان انواع مشارکت نقش اساسی دارد؛ زیرا مثلاً مشارکت در تصمیم‌گیری ممکن است با مشارکت در اجرا تفاوت داشته باشد.

جنبه دوم که به افراد شرکت‌کننده در مشارکت می‌پردازد، ممکن است برای طراحان و ارزیابان پروژه برجسته‌تر باشد؛ زیرا سروکار آن با گروه‌هایی به اصطلاح هدف است که باید امکان مشارکت آن‌ها را

فراهم ساخت.

جنبه سوم که به چگونگی شکل‌گیری فرایند مشارکت می‌پردازد، بعدی کیفی به مسأله مشارکت می‌دهد. تحقیق و بررسی درباره این جنبه ممکن است مشکل‌تر باشد، اما در امر تشخیص یا ارزیابی اهمیت دارد. این جنبه ممکن است این نکته را نیز مشخص کند که آیا مشارکت گروهی معین از افراد داوطلبانه است یا اجباری. مستمر است یا متناوب، و تأثیرگذار است یا بی‌تأثیر. البته این که چه نوع از مشارکت یا شرایط مشارکت در یک موقعیت معین معنی دار است، به عوامل دیگری چون ماهیت کار در دست اجرا یا ماهیت محیط‌کاری بستگی خواهد داشت.

۱. انواع مشارکت

انواع مشارکت‌هایی که در خور بررسی هستند، عبارتند از: ۱. مشارکت در تصمیم‌گیری؛ ۲. مشارکت در اجرا؛ ۳. مشارکت یا شریک شدن در مزایا و منافع؛ و ۴. مشارکت در ارزیابی.

ما دریافته‌ایم که سه نوع مشارکت نخست، تا کنون به شکلی منطقی در رویکردهای «مؤسسات کمک به توسعه» تعریف شده‌اند و به نظر می‌رسد که دلیلی برای مخالفت با نوع چهارم مشارکت نیز وجود ندارد. در واقع، مشارکت در ارزیابی بسیار کم‌تر از دیگر انواع مشارکت روی می‌دهد، یا این وجود اگر خواهان پیشرفت هرچه بیش‌تر تلاش‌های مربوط به توسعه هستیم، باید به این نوع مشارکت بیش‌تر توجه نشان دهیم. تأکیدی هم که در این جا بر آن می‌شود، با تلاش‌هایی که در توسعه اجتماعی برای معرفی

ارزش مشارکت به نوع مشارکت و وضعیت، مشارکت‌کنندگان و کسانی که مشارکت به خاطر آنان صورت گرفته است بستگی دارد

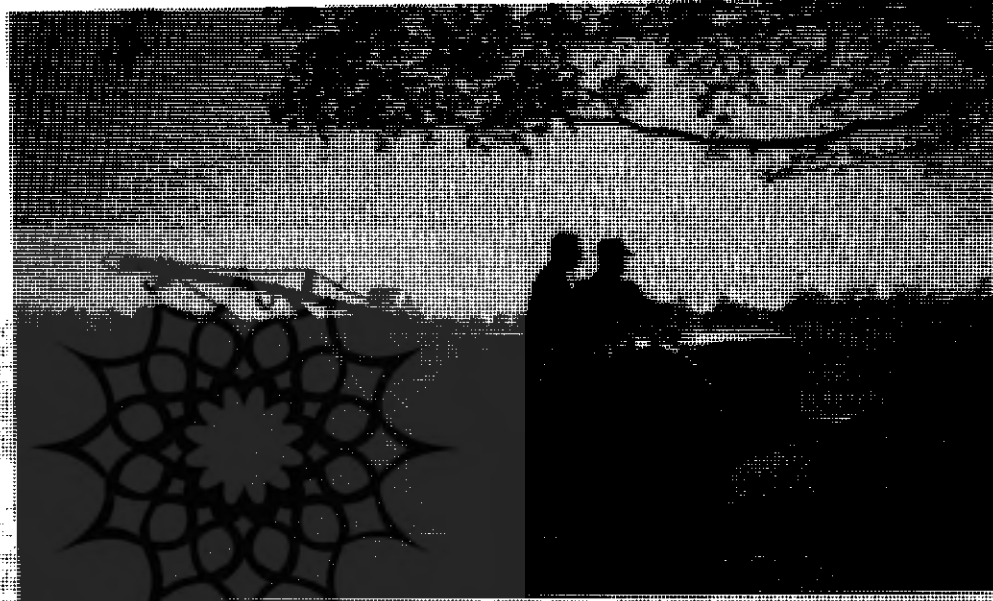
فعالیت‌های نظام‌مند ارزیابی صورت می‌گیرد، سازگاری دارد.

این چهار نوع مشارکت در مجموع نوعی چرخه را برای فعالیت در زمینه توسعه روستایی تشکیل می‌دهند. در عمل، به ندرت چرخه‌ای یکدست یا کامل از تعاملات وجود دارد. مشارکت در فعالیت‌های گوناگون این چرخه اغلب کاملاً محدود یا نابرابر است. با

است. مشاورت در تصمیم‌گیری و اجرا به درون داده‌های پروژه‌های توسعه روستایی، دادن اختیارات، اطلاعات، کار و دیگر منابع مربوط می‌شود، حال آن‌که شریک شدن مردم در مزایا و منافع و ارزیابی فعالیت توسعه، به برون داده‌های پروژه توسعه روستایی مربوط می‌شود. وقتی مزایا و منافع را در نظر می‌گیریم باید توجه داشته باشیم که پیامدهای

بیش تر پروژه‌ها، این مرحله مهم‌ترین مرحله است. در مرحله تصمیمات یا فرضیات بسیار اولیه، یعنی هنگامی که یک پروژه فقط تبارقه‌ای در چشمان افراد فکر کننده به آن است، ، بیش تر کارهای پروژه مشخص و قطعی می‌شوند و تعداد زیادی از گزینه‌ها از فرایندهای تصمیم‌گیری متعاقب کنار می‌روند. به این دلیل، تصمیمات اولیه که شما آنها تحت عنوان استانی پروژه توصیف می‌شوند، می‌باید به دقت مشخص شوند و در قانون توجه قرار گیرند.

مشارکت در تصمیم‌گیری در مراحل اولیه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باره محیط محلی و جلوگیری از سوء تفاهم در باره ماهیت مشکلات و راهبردهای پیشنهادی برای حل و فصل آنها در اختیار بگذارد. از جمله تصمیمات اولیه‌ای که مردم محلی می‌توانند بر آنها تأثیر داشته باشد مشارکت است. تصمیم‌گیری اولیه در تصمیم‌گیری پروژه، چگونگی تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای بررسی آن است. مشارکت در تصمیم‌گیری در باره تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای



این مشارکت در فعالیت‌ها مجموعه‌ای از تصمیمات است که می‌تواند در توسعه روستایی بسیار مهم باشد. به توسعه روستایی و ارزیابی آن همبستگی تشکیل می‌دهد.

مشارکت در تصمیم‌گیری در مراحل اولیه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باره محیط محلی و جلوگیری از سوء تفاهم در باره ماهیت مشکلات و راهبردهای پیشنهادی برای حل و فصل آنها در اختیار بگذارد. از جمله تصمیمات اولیه‌ای که مردم محلی می‌توانند بر آنها تأثیر داشته باشد مشارکت است. تصمیم‌گیری اولیه در تصمیم‌گیری پروژه، چگونگی تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای بررسی آن است. مشارکت در تصمیم‌گیری در باره تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای

مشارکت در تصمیم‌گیری در مراحل اولیه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باره محیط محلی و جلوگیری از سوء تفاهم در باره ماهیت مشکلات و راهبردهای پیشنهادی برای حل و فصل آنها در اختیار بگذارد. از جمله تصمیمات اولیه‌ای که مردم محلی می‌توانند بر آنها تأثیر داشته باشد مشارکت است. تصمیم‌گیری اولیه در تصمیم‌گیری پروژه، چگونگی تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای بررسی آن است. مشارکت در تصمیم‌گیری در باره تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای

مشارکت در تصمیم‌گیری در مراحل اولیه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باره محیط محلی و جلوگیری از سوء تفاهم در باره ماهیت مشکلات و راهبردهای پیشنهادی برای حل و فصل آنها در اختیار بگذارد. از جمله تصمیمات اولیه‌ای که مردم محلی می‌توانند بر آنها تأثیر داشته باشد مشارکت است. تصمیم‌گیری اولیه در تصمیم‌گیری پروژه، چگونگی تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای بررسی آن است. مشارکت در تصمیم‌گیری در باره تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای

مشارکت در تصمیم‌گیری در مراحل اولیه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باره محیط محلی و جلوگیری از سوء تفاهم در باره ماهیت مشکلات و راهبردهای پیشنهادی برای حل و فصل آنها در اختیار بگذارد. از جمله تصمیمات اولیه‌ای که مردم محلی می‌توانند بر آنها تأثیر داشته باشد مشارکت است. تصمیم‌گیری اولیه در تصمیم‌گیری پروژه، چگونگی تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای بررسی آن است. مشارکت در تصمیم‌گیری در باره تعیین هزینه‌ها و ارزیابی آثار آن برای

سازمان های محلی ویژه ای مرتبط هستند که در چارچوب اجرای پروژه تأسیس شده اند یا به منظور مشارکت دادن مردم در جنبه های عملیاتی پروژه با آن ارتباط می یابند. در این جا تمرکز بر انجمن ها یا اتحادیه های داوطلبانه، تعاونی ها، انجمن های سنتی، باشگاه های زنان و دیگر سازمان های درگیر در فعالیت های اساسی پروژه است.

این گونه نهادها و سازمان ها به مشارکت از منظر توجه به مسائلی چون ترکیب اعضا، آیین نامه جلسات، انتخاب رهبران و نفوذ این گونه سازمان ها می پردازند.

اجرا

مردم محلی به سه طریق عمده می توانند در اجرای جنبه های متفاوت یک پروژه مشارکت کنند:

۱. کمک به تأمین منابع؛
۲. تلاش های اداری و هماهنگ کننده؛
۳. فعالیت های عضوگیری برای برنامه.

کمک به تأمین منابع ممکن است به شکل های گوناگون باشد؛ از جمله: تأمین نیروی کار و نقدینگی، کمک های مادی و دادن اطلاعات.

همه این درون دانه ها برای پروژه هایی که می گویند منابع محلی را در طرح های توسعه به کار گیرند، حیاتی هستند. از جمله موارد مشارکت مردم محلی در طرح های توسعه، کار برای احداث چاه، واگذاری زمین برای احداث مدرسه، واگذاری چوب و الوار برای احداث مراکز بهداشتی، اهدای ابزارهای کار برای احداث جاده محلی، اهدای پول برای تأمین هزینه احداث آثارهای ذخیره گندم یا دادن اطلاعات حیاتی در مورد موضوعاتی چون محصولات کشاورزی، مسائل اجاره داری، مشکلات ناشی از آفت ها، منابع تغذیه ای و غیره است.

رابطه میان سه جنبه مشارکت با کمک به تأمین منابع، باید به روشنی ترسیم شود. این بسیار

اهمیت دارد که بدانیم، چه کسی کمک می کند و کمک های او چگونه انجام می گیرند. این کمک ها اجباری اند یا داوطلبانه، و یا پاداشی به آن ها تعلق می گیرد؟ تا چه اندازه افرادی هستند و تا چه اندازه بر مبنای کار جمعی؟ و سرانجام، آیا این کمک ها مستمرند یا متناوب؟ این ها مسائل مهمی هستند؛ زیرا کمک در تأمین منابع، اغلب می تواند هم نابرابر باشد و هم استثماری.

مشارکت در اداره پروژه و انجام هماهنگی های آن، دومین راهی است که مردم روستایی می توانند از طریق آن در اجرای پروژه مشارکت کنند. در این جا آن ها می توانند، از طریق استخدام محلی یا به عنوان اعضای هیأت های گوناگون مشورتی یا تصمیم گیری، در پروژه مشارکت کنند. آن ها همچنین می توانند، اعضای انجمن های داوطلبانه ای باشند که در هماهنگ ساختن فعالیت های آن ها با فعالیت های مربوط به پروژه، نقش ایفا می کنند. پروژه برخوردار از مشارکت مردم محلی در حوزه اداره و هماهنگی می تواند، از طریق آموزش مشارکت کنندگان در زمینه فنون اجرای پروژه، موجب تقویت خود انکاپی آن ها و دستیابی به اطلاعات و توصیه های ارزشمندی در خصوص مشکلات محلی و محدودیت های تأثیرگذار بر اجرای پروژه شود.

سرانجام می توان گفت که عضوگیری و ثبت نام برای برنامه ها، شایع ترین شکل از مشارکت در اجرای پروژه است. به نظر می رسد که لازم است، میان این عضوگیری و شریک شدن در مزایا و منافع تمایز بگذاریم؛ زیرا عضو شدن لزوماً تضمین کننده مزایا و منافع نیست. این واقعیت را باید در نظر داشت که ممکن است، برخی برنامه های پروژه ای که مردم محلی در آن ثبت نام کرده اند، پیامدهای نامطلوبی برای آن ها داشته باشد. این موضوع لزوم تمایز گذاشتن میان عضوگیری و شریک شدن در مزایا و

منافع را توجیه می کند. مثلاً در یک پروژه مایه کوبی احشام در برابر بیماری هایی چون تب مالت، کاهش موارد ابتلا به این بیماری در میان احشام متعلق به یک فرد، همان منفعتی است که هدف پروژه بوده است، و نه خود مایه کوبی ها. کاشت بذرهاي HIV به معنای آن نیست که حتماً برداشت بهتری حاصل خواهد شد، زیرا این بذر ممکن است با محیط منطقه سازگاری نداشته باشد یا این که شرایط جوی خاص در منطقه، پتانسیل محصول دهی آن را خنثی می کند. در واقع، اگر انواع جدید بذر در برابر آفت های حمله کننده به محصول آسیب پذیرتر باشند، کشاورزانی که در اجرای پروژه مشارکت کرده اند، در مقایسه با کسانی که مشارکت نکرده اند، متضرر شده اند.

مزایا و منافع

ثبت نام در یک پروژه می تواند دست کم سه مزیت و منفعت احتمالی داشته باشد: ۱. مادی؛ ۲. اجتماعی؛ ۳. شخصی. گرچه مواظبتیم که شریک شدن در مزایا و منافع یکی از انواع انفعالی تر مشارکت است، اما در ادبیات اقتصادی دارای چنان مثبت دیرینه ای است که نباید از آن غافل شد. شاید تنها خطر در تمرکز روی این نوع مشارکت این است که گاهی امکان دارد، نتایج آن به قدری چشمگیر باشد که موجب شود، ناظران از این نکته غفلت کنند که مشارکت در دیگر جنبه های مهم پروژه، مانند تصمیم گیری، یا اصلاً صورت نگرفته و یا این که کاملاً مخلوبود بوده است.

مزایا و منافع مادی اساساً شخصی هستند. شاید بتوان آن ها را در قالب افزایش مصرف، درآمد یا دارایی ها خلاصه کرد. افزایش مصرف می تواند نتیجه افزایش محصول کشاورزی باشد و منافع درآمدی هم نتیجه فروش محصول اضافی، دارایی های

افزایش یافته را می توان به شکل خرید زمین، احشام، ابزار، محل های اقامت بهتر در کشتزار، پس انداز و غیره دید. همان طور که در مورد سایر جنبه های مشارکت که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته اند ضروری است، باید اطلاعات و داده های کلی در مورد مزایا و منافع مادی را با تحلیل و بررسی این که چه کسی مشارکت کرده است و فرایند مشارکت چگونه بوده است، به عناصر کوچک تر تجزیه کنیم.

مزایا و منافع اجتماعی اساساً عمومی هستند. آن ها را معمولاً می توان به شکل خدمات یا وسایل رفاه و آسایش عمومی، مانند مدرسه، درمانگاه، سیستم های آبرسانی، اسکان پیشرفته تر و جاده های بهتر دید. از آن جا که پروژه های توسعه روستایی روز به روز در قالب های یکپارچه تری طراحی می شوند و تلاش برای بهبود کیفیت زندگی بخش های فقیرتر جمعیت افزایش می یابد، نیاز بیش تری به ارزیابی چگونگی شریک شدن مردم در این مزایا و منافع وجود دارد. همچنین، باید توجه ویژه ای به مقدار، توزیع و کیفیت این خدمات و وسایل رفاه و آسایش معطوف شود.

مزایا و منافع شخصی که معمولاً بسیار مطلوب هم هستند، اغلب به طور فردی به دست نمی آیند و بیش تر نصیب اعضای گروه ها یا بخشی ها می شوند؛ زیرا این گروه ها و بخش ها هستند که از طریق اجرای یک پروژه به قدری متحد می شوند که می توانند به دست می آورند. اما به این دلیل نباید فراموش کرد که منافع شخصی می توانند به نفع منافع عمومی و اجتماعی منتهی گردند. بنابراین، در ارزیابی مشارکت در توسعه روستایی، باید به این نکته توجه داشت که منافع شخصی می توانند به نفع منافع عمومی و اجتماعی منتهی گردند. بنابراین، در ارزیابی مشارکت در توسعه روستایی، باید به این نکته توجه داشت که منافع شخصی می توانند به نفع منافع عمومی و اجتماعی منتهی گردند.

باید به این نکته مهم توجه کرد که تمرکز بر مزایا و منافع نباید به شکل گیری قالبی از ارزیابی منجر شود که نتایج نامطلوب احتمالی مشارکت در پروژه را نادیده بگیرد. این نتایج نامطلوب می تواند شامل سبز نشدن بذر ها، مرگ گاوهای شیرده و دورگه، فساد فرهنگ محلی یا اخراج کشاورزان اجاره دار باشد. با این که نتایج و پیامدهای نامطلوب معمولاً از دید ناظران دقیق مخفی نمی ماند، اما اغلب به همان شیوه ای که مزایا و منافع بررسی می شوند، مورد مطالعه قرار نمی گیرند.

همان طور که پیش تر گفتیم، ما به این نتیجه رسیده ایم که در ارزیابی بی شریک شدن مردم در مزایا و منافع، نتایج نامطلوب و مضر نیز باید بررسی شود. در این بررسی هرگونه اختلاف و تمایز در میزان شریک شدن در این نتایج، اطلاعات و داده های مهمی خواهد بود. مسأله اصلی این است که چه کسی یا کسانی در نتایج نامطلوب پروژه شریک هستند. پس از آن باید به بررسی علت نتایج نامطلوب پرداخت تا راه های پیشگیری احتمالی از آن ها در پروژه های بعدی مشخص شوند.

ارزیابی

از آن جا که مطالب مکتوب اندکی در خصوص «مشارکت در ارزیابی» وجود دارد یا به ندرت چیزی به نام مشارکت در ارزیابی می بینیم، بنابراین، تجزیه ای که چگونه می توان این نوع مشارکت را ارزیابی و

سنجش قرار داد، دشوار است. با این حال سه فعالیت عمده وجود دارد که از طریق آن ها می توان به ارزیابی مشارکت مردم روستا در ارزیابی پروژه پرداخت.

در ارزیابی پروژه، هم مشارکت مستقیم و هم مشارکت غیرمستقیم امکان پذیر است. اگر روند بازرینی رسمی وجود داشته باشد باید روشن شود که: چه کسی در این روند مشارکت داشته، این مشارکت تا چه اندازه مستمر بود و برای عملی کردن پیشنهادها چه اختیاراتی وجود داشته است. اگر در طراحی پروژه، فکری برای ارزیابی و مشارکت در آن نشده باشد، به احتمال زیاد هیچ فعالیتی به شکل مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم مردم محلی یا رهبران محلی در ارزیابی وجود نخواهد داشت. شاید خود کارکنان دولتی پروژه در بازرینی ها و ارزیابی های سالانه بودجه که نوعی ارزیابی پروژه محسوب می شود، مشارکت داشته باشند، اما مقامات محلی معمولاً در چنین فعالیتی مشارکت ندارند.

آنچه بیش تر احتمال دارد، مشارکت محلی در ارزیابی پروژه از طریق اشکال گوناگون فعالیت های سیاسی است. اگر مقامات منتخب مانند اعضای پارلمان وجود داشته باشند، مردم یا رهبران محلی می توانند از طریق آن ها شکایت، اعتراض و توصیه خود را بیان کنند. مشارکت احتمالی در انتخابات محلی و منطقه ای و سرپرستی می تواند فرصتی برای استفاده از ارزیابی محلی در



زمینه نتایج مطلوب و نامطلوب پروژه‌ها در فرایندهای سیاسی فراهم سازد. با این حال این گونه درون داده‌ها بیش تر به شکل داده‌های خام و کلی هستند که صرفاً نارضایتی یا رضایت‌مندی از نتایج پروژه‌ها را نشان می‌دهند.

آن‌جا که مشارکت در فعالیت‌های سیاسی وجود ندارد، مردم محلی یا رهبران محلی می‌توانند وارد فعالیت‌های لابی‌گری (نفوذی) شوند و مثلاً از کانال برخی تشکل‌ها، مانند تعاونی‌ها یا اتحادیه‌های کشاورزی، دیدگاه‌های خود را در خصوص پروژه‌ها به مجریان آن‌ها یا به دولت اعلام کنند. گزینه دیگری که لزوماً گزینه موثرتری نیز نیست، برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیز برای نشان دادن نارضایتی مردم محلی و وادار کردن مقامات به رسیدگی به این نارضایتی است. کشمکش و ناآرامی و خشونت مستمر نیز نتیجه برخی از این گونه اعتراض‌هاست. وقتی این فعالیت‌ها صورت می‌گیرد، باید آن‌ها را بررسی کرد تا معلوم شود، آیا از آن‌ها می‌توان برای ارزیابی غیرمستقیم نتایج پروژه استفاده کرد یا این که این فعالیت‌ها فقط منعکس‌کننده مسائل دیگر محیط کار هستند. در صورتی که مورد اول امکان‌پذیر باشد، باید ماهیت اعتراض و نیز ویژگی‌های معترضان را بررسی و مطالعه کرد. مشارکتی که کم‌تر به شکل مستقیم صورت می‌گیرد، مشارکت در آن دسته از فعالیت‌هایی ارزیابی است که هدفشان تبعیت

احتمالی مشارکت در ارزیابی در نظر گرفت که بهرحال از عدم مشارکت بهتر است.

۲. چه کسی مشارکت می‌کند؟

امروزه، اغلب مؤسسات توسعه و دولت‌ها بیش از هر چیز به فکر مشارکت مردم محروم روستایی یا اکثریت محروم مردم پروژه‌های توسعه هستند. اگر چنین مردمی را در قالب یک توده انبوه در نظر بگیریم، آن‌گاه ارزیابی مشارکت آن‌ها در هر جنبه‌ای از پروژه توسعه بسیار دشوار خواهد بود؛ زیرا آن‌ها در قالب گروهی بزرگ و نامتجانس گرد آمده‌اند. در واقع شاید خود آن‌ها از واژه گروه برای اشاره به خود استفاده نکنند. تفاوت‌های تعیین‌کننده‌ای از لحاظ شغل، محل زندگی، وضع اجاره‌داری زمین، جنسیت، طبقه (کاست)، مذهب، یا قبیله بین آن‌ها وجود دارد که به شکل‌های گوناگون با فقر و محرومیت آن‌ها مرتبط هستند. سخن گفتن درباره «مشارکت مردم محروم روستایی» به معنای ترکیب اصطلاحی بغرنج و آشفته با اصطلاحی پیچیده و مبهم است. اگر بخواهیم به مشکلات معمول مردم محروم روستایی پردازیم، باید میان آن‌ها تمایزهای تحلیلی قائل شویم.

چارچوب کار ما با طرحی متمایز و انعطاف‌پذیر برای تحلیل تمام جامعه روستایی به صورت کلی و نیز تحلیل گروه‌های اصلی مردم محروم روستایی آغاز می‌شود. ما چهار

رامی‌توان بر حسب تعدادی از ویژگی‌های مهم پس‌زمینه‌ای که برای تحلیل مشارکت فردی اهمیت اساسی دارند، طبقه‌بندی کرد.

دو مجموعه نخست از مردم، کسانی هستند که ریشه‌های محلی دارند، حال آن‌که دو مجموعه بعدی به درجات گوناگون غریبه‌اند. ساکنان محلی یک گروه بزرگ و نامتجانس شامل کشاورزان خودکفا، مستأجران زمیندار، کارگران مزرعه، چوپانان، پیشه‌وران و غیره را تشکیل می‌دهند که هدف اصلی پروژه‌های توسعه روستایی معمولاً همین گروه از مردم است. رهبران محلی در امور منطقه خود مشارکت دیرینه دارند. آن‌ها معمولاً همان نخبگان محلی، مانند زمینداران، بازرگانان و پیشه‌وران هستند.

تعریف رهبر محلی از منطقه‌ای به منطقه دیگر تغییر می‌کند. اساساً سه نوع رهبر محلی وجود دارد:

۱. رهبران غیررسمی مانند رؤسای طایفه، شخصیت‌های مذهبی، پیشه‌وران یا متخصصان متنفذ و افراد برجسته و سرشناس.

۲. سران منتخب یا منصوب برای یک سازمان رسمی، مانند رئیس یک اتحادیه تعاونی، رئیس یک انجمن یا اتحادیه داوطلبانه یا رهبر یک اتحادیه صنفی محلی.

۳. صاحب‌منصبان محلی، مانند کدخدای ریش سفیدان، شهردار و

تأثیر قرار گرفتن عمومی به این دلیل است که این نوع فعالیت‌ها در واقع به شکل یک فعالیت اجتماعی است که در آن افراد با هم همکاری می‌کنند و به یکدیگر کمک می‌کنند. این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به شکل گروهی یا انفرادی باشد و می‌تواند به شکل رسمی یا غیررسمی باشد. این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به شکل دائمی یا موقت باشد و می‌تواند به شکل سازماندهی یا خودسازماندهی باشد. این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به شکل مشارکتی یا غیرمشارکتی باشد و می‌تواند به شکل مشارکتی یا غیرمشارکتی باشد. این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به شکل مشارکتی یا غیرمشارکتی باشد و می‌تواند به شکل مشارکتی یا غیرمشارکتی باشد.

نمی‌کند. بر همین اساس، از منطقه‌ای به منطقه دیگری منتقل می‌شوند. معمولاً هم در مقایسه با افراد محلی از لحاظ تحصیلات و موقعیت اجتماعی در سطح بالاتری هستند. برای ارزیابی نقش احتمالی آن‌ها در تقویت و کنترل یا متوقف کردن پروژه، بررسی سطوح مشارکتی این دسته از افراد اهمیت دارد.

گرچه غالباً کارکنان خارجی چندین اهمیت ندارند، اما از برخی جهات باید به آن‌ها توجه کرد؛ زیرا در شرایط خاصی می‌توانند، نقش مشارکتی مهمی ایفا کنند. در میان آن‌ها کارکنان کمک کننده خارجی، رؤسای انجمن‌ها و اتحادیه‌های خصوصی داوطلب، کارکنان میسیونری‌ها، خارجی‌ان یا مهاجران ساکن و شاغل در سطح محلی وجود دارند.

این که کدام ویژگی‌های پس‌زمینه‌ای شخصی در یک موقعیت معین اهمیت دارند، بستگی به شرایط و انواع مشارکت ممکن دارد. ظیف وسیعی از این ویژگی‌ها وجود دارد و تحلیلگر باید درباره این که کدام یک از آن‌ها در یک مورد معین بیشترین اهمیت را دارد، تصمیم بگیرد. در میان مهم‌ترین ویژگی‌های پس‌زمینه‌ای می‌توان به این موارد اشاره کرد:

سن و جنسیت، با توجه ویژه به تفاوت‌های مذکر و مؤنث؛ ۲. موقعیت در خانواده (رئیس خانوار در برابر دیگر اعضای خانوار)؛ ۳. سطح تحصیلات (سواد خواندن و نوشتن، تحصیلات رسمی)؛ ۴. تقسیمات اجتماعی، بر مبنای ملاحظات قومی، مذهبی، طبقه‌ای، زبانی یا زادگاهی؛ ۵. شغل؛ ۶. سطح درآمد و منابع؛ ۷. طول مدت سکونت و فاصله ساکنان از محل اجرای پروژه و طول مدت خدمت یا فعالیت؛

۸. اجاره‌داری زمین یا وضع اشتغال (اجاره‌داری یا بدون وثیقه، کارگر فصلی در برابر کارگر دائمی و غیره)

هر کدام از این ویژگی‌های پس‌زمینه‌ای را می‌توان به شیوه‌های گوناگون به بخش‌های فرعی‌تر تقسیم کرد. شاید بهترین مثال، تقسیم ویژگی شغلی به شغل‌های زراعی و غیر زراعی باشد. در این جا ویژگی‌های متمایز کننده مهم ممکن است بزرگی زمین اجاره‌ای، وضع مالکیت، یا درصد درآمدی که فقط از تولید کشاورزی به دست می‌آید، باشد. به همین ترتیب می‌توان میان زمینداران بزرگ، کشاورزان صاحب زمین‌های کوچک، کشاورزان اجاره‌کار که با زمین را اجاره کرده‌اند و یا کشاورزان سهم‌گیر هستند، و کارگران کشاورزی تمایز قائل شد. حتی اجاره‌داران را نیز می‌توان به کسانی که اجاره‌نامه‌های دائمی ندارند و کسانی که وثیقه قابل توجهی پرداخته‌اند، تقسیم کرد. غیر کشاورزان را نیز می‌توان به شیوه‌ای مشابه به تجار، پیشه‌وران یا صنعتکاران، متخصصان، کارگران روزمزد یا خدمتکاران خانگی، دانش‌آموزان و غیر تقسیم کرد و در طبقه‌بندی‌های مربوط قرار داد. این نوع تقسیم‌بندی را می‌توان در مورد هر کدام از ویژگی‌های پس‌زمینه‌ای معرفی شده، انجام داد. میزان و حد این تقسیم‌بندی به نوع پروژه‌ای که قرار است ارزیابی شود و ویژگی‌های مهم مربوط به پروژه، بستگی دارد.

به منظور تصمیم‌گیری درباره این که کدام اطلاعات را باید برای ارزیابی جمع‌آوری کرد و چه کسی در چه فعالیت‌هایی مشارکت می‌کند، چند اصل را باید در نظر گرفت:

اولاً، همه این ویژگی‌ها برای همه پروژه‌ها اهمیت ندارند، اما برخی ویژگی‌ها از اهمیت خاص برخوردارند. روشن است که سن و جنسیت برای یک برنامه تنظیم خانواده اهمیت اساسی دارد تا معلوم شود، آیا گروه‌های اقلیت قومی یا مهاجران معینی یا کارگران فصلی و خانواده‌هایشان از خدمات و تسهیلات بهداشتی استفاده می‌کنند یا خیر. ثانیاً، در اغلب موارد برای مشخص کردن برخی از این تمایزات اطلاعات اولیه به راحتی به دست نمی‌آید؛ هر چند که برای ایجاد دسته‌بندی‌های منطقی و معنی‌دار از برخی داده‌های نسبتاً ساده و حتی قابل مشاهده می‌توان استفاده کرد.

سرانجام در بعضی موارد، ویژگی‌های مشارکتی را به راحتی می‌توان به دست آورد. مثلاً آن‌جا که اشخاص از خدماتی چون مدرسه، وام یا درمانگاه استفاده می‌کنند، داده‌های مربوط به این ویژگی‌ها را می‌توان جمع‌آوری کرد. در این مورد به جای شمارش کامل موارد می‌توان از نمونه‌گیری ساده (مانند سه روز اتفاقی در یک ماه) استفاده کرد. همچنین، آن‌جا که نظرسنجی‌های لازم انجام می‌گیرد، بیش‌تر اطلاعات مربوط به ویژگی‌های مشارکت را می‌توان به دست آورد.

۳. مشارکت چگونه شکل می‌گیرد؟

جنبه چگونگی شکل‌گیری مشارکت بعدی کیفی به تجزیه و تحلیل مشارکت می‌بخشد. توجه به این جنبه، امکان پاسخگویی به پرسش‌هایی مانند این که: چرا مشارکت صورت می‌گیرد، ادامه می‌یابد یا تنزل می‌کند؟ و چرا مشارکت از الگوهای خاصی پیروی می‌کند؟ فراهم می‌سازد.

در عین حال، نباید به راه‌هایی که مشارکت از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد، بی‌اعتنا بود. در این خصوص به چنین مواردی باید توجه داشت: ۱. آیا طرح پیشنهادی برای

مشارکت چیزی بیش از یک وسیله است، اما در عین حال، هدفی نیست که به خودی خود مفید باشد

مشارکت از بالا آمده است یا از پائین؟ یا: آیا مشارکت بیش تر داوطلبانه است یا اجباری. شاید در طول زمان تجزیه و تحلیل و مقایسه ساختار و کانال‌های مشارکت نیز ضرورت یابد. در خصوص کانال‌های مشارکت این مسائل باید روشن شوند که آیا مشارکت انفرادی است یا جمعی و گروهی، به صورت مستقیم است یا غیرمستقیم، و سازماندهی آن رسمی است یا غیر رسمی؟

همچنین، به مدت و دامنه مشارکت نیز باید توجه داشت. آیا مشارکت یکباره، متناوب یا مستمر است؟ و سرانجام این که آیا دامنه آن، طیفی وسیع یا محدود از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد؟

معمولاً بهتر است، تفویض اختیارات را مورد توجه قرار دهیم تا معلوم شود، مردم برای دستیابی به نتایجی که انتظار دارند از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای پروژه به دست آورند، چه توانایی‌هایی دارند. توجه به این که چه کسی محرک مشارکت است نیز اهمیت دارد. آیا ابتکار عمل از طرف مردم عادی است یا مرکز ملی؟ این نیز باید روشن شود که آیا محرک مشارکت خود مردم هستند یا رهبران محلی، کارکنان پروژه، مقامات محلی یا ملی یا کارکنان خارجی؟ معمولاً با پیشرفت پروژه متوجه تعداد فزاینده‌ای از ابتکار عمل‌هایی می‌شویم که منشأ آن‌ها مردم عادی هستند؛ هرچند که عکس این قضیه نیز ممکن است دیده شود. برررسی انگیزه‌ها و محرک‌های مشارکت اهمیت ویژه‌ای دارد. در این جا فرد معمولاً می‌کوشد تا مشخص کند، مشارکت داوطلبانه است یا اجباری. اما در اغلب موارد به سادگی نمی‌توان مشخص کرد که انگیزه و محرک مشارکت کنندگان کدام طیفی قرار دارد که مشارکت داوطلبانه و اجباری در دو قطب آن قرار دارند؛ زیرا مشارکت معمولاً متأثر از مجموعه‌ای از انگیزه‌های مثبت و منفی است. گفته می‌شود که مشارکت اجباری با ارزش‌های دموکراتیک

ناسازگار است، با این حال ممکن است در مواردی هم این گونه مشارکت لازم و مفید باشد. مثلاً جایی که قرار است طرحی در زمینه مدیریت چراگاه به اجرا درآید و محدوده‌ای برای چرای احشام و پایبندی به شرایط چرا چرخشی تعیین شود، مشارکت اجباری ضرورت می‌یابد. در عمل ممکن است محرکه و انگیزه مشارکت با هم ترکیب شوند و انواع متفاوتی از مشارکت، شامل مشارکت متأثر از ابتکار عمل مردم عادی تا مشارکت متأثر از ابتکار عمل مقامات ظهور یابد.

الگوی سازمانی تأثیر زیادی بر فرایند مشارکت دارد. در این زمینه، یکی از نخستین پرسش‌ها این است که: آیا شخص به عنوان عضوی از یک گروه وارد فعالیت مشارکتی می‌شود؟ مثلاً، آیا هیچ کشاورزی می‌تواند مستقیماً از پروژه وام دریافت کند یا این که باید عضو یک تعاونی باشد تا شرایط دریافت وام را احراز کند؟ مسأله دیگر پیچیدگی سازمان است. آیا نقش رهبران و قواعد حاکم بر فعالیت‌ها به خوبی و روشنی تعریف شده است؟ و آیا معیارهای نسبتاً روشنی برای ارزیابی عملکرد رهبران وجود دارد؟ اگر سازمان‌ها بیش از حد پیچیده باشند، وارد شدن به هر گونه مشارکت منطقی در این سازمان‌ها، برای مردم دشوار است. نخبگان محلی غالباً می‌توانند سازمان‌های پیچیده تر را زیر تسلط خود بگیرند و از آن‌ها برای رسیدن به هدف‌هایشان استفاده کنند. در واقع، این احتمال وجود دارد که برای تحت کنترل قرار گرفتن دقیق مشارکت، پروژه‌ای را پیچیده طراحی کنند.

فرایند مشارکت همچنین متأثر از این است که آیا شخص به طور مستقیم در پروژه مشارکت دارد یا این که خود و یا دیگران، نماینده‌ای برای او به منظور مشارکت انتخاب کرده‌اند؟ مشارکت مستقیم احتمالاً تأثیر بیش تری بر شکل‌گیری ظرفیت و توانایی فردی

خواهد داشت. متأسفانه دستیابی به مشارکت مستقیم غالباً بسیار دشوار است و علت آن نیز تعداد ناکافی مشارکت کنندگان احتمالی است. همچنین، در مناطق روستایی که زیر ساخت‌های مناسبی ندارند، دستیابی به این گونه مشارکت غالباً دشوار است؛ زیرا شاید مردم وقت زیادی برای سفر به منظور شرکت در جلسات در مکان‌های دور افتاده نداشته باشند. به طور کلی، مشارکت غیرمستقیم به احتمال بیش تر در فعالیت‌های تصمیم‌گیری وجود خواهد داشت و مشارکت مستقیم نیز در مزایا و منافع یا اجرای پروژه.

مدت زمان لازم برای مشارکت بر میزان مشارکت تأثیر می‌گذارد. هرچه مدت زمان مشارکت طولانی‌تر و منظم‌تر باشد، احتمال وجود یک سازمان رسمی مشارکتی بیش تر خواهد بود. پروژه‌ها باید به دقت بر تغییرات در بسامد مشارکت نظارت کنند و توجه ویژه‌ای را به ظهور الگوهای منظم‌تر و مستمرتر در زمینه مشارکت و نیز گرایش‌ها در جهت مخالف معطوف سازند.

شدت مشارکت در یک پروژه معین غالباً با دامنه فعالیت‌های مشارکتی پروژه ارتباط دارد. در این جا باید تعداد موقعیت‌های ممکن را در نظر گرفت که اعضای گروه‌های مورد نظر می‌توانند، در آن‌ها مشارکت کنند. مشخص کردن این مسأله نیز مهم است که آیا این‌ها نام‌ها پروژه، مشارکت در یک فعالیت را پیش شرط مشارکت در فعالیت‌های دیگر قرار می‌دهد یا خیر؟ مثلاً شاید لازم باشد که یک کشاورز در انجمن تعاونی پروژه عضویت داشته باشد تا پس از آن، خود یا دیگر اعضای خانواده‌اش بتوانند در کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان شرکت کنند. در مورد تعداد فعالیت‌هایی که مردم در آن‌ها مشارکت می‌کنند و نیز تأثیرات این تعداد از فعالیت‌ها بر فعالیت‌های مشارکتی کلی آن‌ها باید دقت شود. شاید فعالیت‌های مشارکتی چندگانه به مشارکت ناکافی در همه آن‌ها منجر شود. از

سوی دیگر، فعالیت‌های چندگانه ممکن است یکدیگر را به گونه‌ای تقویت کنند که نه فقط مزایا و منافع ملموس بیش‌تری نصیب مشارکت‌کنندگان شود، بلکه آگاهی آن‌ها نیز درباره اهمیت فعالیتی که می‌خواهند در آن مشارکت کنند و انتظار می‌رود این فعالیت بر جامعه پیرامون آن‌ها تأثیر بگذارد، بالاتر برود. مقدار قدرت و اختیاراتی که مشارکت‌کنندگان دارند، باید به دقت ارزیابی شود. دادن قدرت و اختیار در مشارکت طیف وسیعی دارد که از نداشتن هیچ گونه قدرت و نفوذ تا داشتن قدرت و اختیارات گسترده در نوسان است. مهم است که بدانیم: آیا مشارکت صرفاً یک اقدام تشریفاتی و بی‌معناست یا این که فعالیتی است که به فرد اجازه می‌دهد، کنترل بیش‌تری بر موقعیت‌های تغییر دهنده زندگی خود به دست آورد.

با توجه به تجربیات گذشته لازم است که توجه ویژه‌ای به ساختار و کانال‌های مشارکت معطوف شود. این که مشارکت می‌تواند افرادی و غیر سازمان یافته باشد، کاملاً روشن است، اما معلوم نیست که در غیاب حمایت سازمان یافته، مشارکت مؤثر و مستمری وجود داشته باشد. با قبول این که مقدار، نوع و موقعیت مشارکت ممکن است برای کارهای گوناگون یا گروه‌های متفاوت متغیر باشد، یکی از مسائلی که ارزش بررسی را دارد این است که سازمان‌یافتگی تا چه حد عاملی مهم در تعیین مقدار، نوع و موقعیت مشارکت است.

گفته می‌شود این ویژگی‌های مختلف در خصوص چگونگی مشارکت، در صورت به کارگیری صحیح در ارزیابی اینکه چه کسی در کدام فعالیت‌های توسعه روستایی مشارکت می‌کند، احتمالات، امکانات، پویایی و پیامدهای مشارکت را به روشنی نشان خواهند داد. این ویژگی‌ها را می‌توان به شیوه‌های خالص و متنوع ترکیب داد یا در

قالب‌های گوناگون با همدیگر مقایسه کرد. ماهیت چند بعدی چگونگی مشارکت به معنای آن است که به سختی می‌توان به یک ارزیابی واحد از آن رسید. مثلاً به هیچ وجه نمی‌توان به این نتیجه رسید که مشارکت با دامنه کم و در عین حال با اختیارات و قدرت زیاد، در مقایسه با مشارکتی با دامنه گسترده و در عین حال قدرت و اختیارات کم، به منزله مشارکت کم‌تر است.

بر اساس اغلب دیدگاه‌های موجود درباره مشارکت، آنچه از پائین آغاز می‌شود و داوطلبانه، سازمان یافته، مستقیم، مستمر، با دامنه گسترده و برخوردار از قدرت و اختیارات است، برترین نوع مشارکت خواهد بود. اما قضاوت‌ها درباره هر نوع مشارکت دیگری که از این نوع مشارکت آرمانی منشعب می‌شود، قضاوت‌های متفاوتی خواهند بود. این تفاوت فقط به علت آن است که مردم انتظارات متفاوتی درباره مشارکت دارند، بلکه ناشی از آن است که جنبه‌های گوناگون مشارکت، در شرایط متفاوت تأثیر یکسانی ندارند. ممکن است در موقعیت‌های خاصی مشارکت غیر مستقیم از طریق نماینده کاملاً خوب و رضایت‌بخش باشد و ممکن است در موقعیت‌های دیگری نیز این گونه نباشد. برای حفظ و نگهداری کانال‌های آبیاری، شاید مشارکت دوره‌ای کافی باشد، اما برای توریع آب ممکن است به مشارکت مستمر نیاز باشد.

در تجزیه و تحلیل جنبه‌های چگونگی مشارکت باید مراقب راه‌هایی باشیم که در آن‌ها ممکن است، مشارکت گروه‌های معینی از مردم (کیستی) در فعالیت‌هایی معین (چیستی) متفاوت باشد. این جنبه‌ها حتی اگر هیچ گونه ارزش کمی هم نداشته باشند، مابا در زمینه تغییرات و جابه‌جایی‌هایی همچون تغییر از ابتکار عمل از بالا به پائین به ابتکار عمل از پائین به بالا، یا تغییر از مشارکت داوطلبانه به مشارکت اجباری‌تر، یاری

می‌رسانند.

ب) موقعیت‌های مشارکت

۱. ویژگی‌های پروژه

به طور خلاصه، ماده ویژگی عمده را شناسایی کرده‌ایم که بر الگوهای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی تأثیر می‌گذارد. این ویژگی‌ها پیش از این به تفصیل تشریح شده‌اند و در این جا به آن‌ها فقط فهرست وار و با یک مثال خلاصه درباره تأثیراتشان اشاره می‌کنیم:

۱-۱. پیچیدگی فنی: یک انجمن تعاونی

که برای یک برنامه کشاورزی هماهنگه تشکیل شده است و این برنامه هم به فعالیت‌های حسابداری و بازاریابی پیچیده نیاز دارد، ممکن است برخی اشخاص معین کم‌تر تحصیل کرده را از تصدی نقش‌های رهبری حذف کند و بدینسان، مشارکت به نفع بازرگانان یا متخصصان محلی تغییر کند.

۲-۱. مقتضیات بهره‌گیری از منابع: یک

پروژه کشت مکتبزه ممکن است مستلزم آن باشد که مشارکت کنندگان حداقل معینی زمین داشته باشند تا شرایط بهره‌گیری از خدماتی چون استفاده از تراکتور را به دست آورند. بدین ترتیب، کسانی که این حداقل زمین را ندارند، حذف می‌شوند. همچنین، در آن دسته از طرح‌های اعطای وام و اعتبار که مستلزم وثیقه گذاشتن است، کشاورزان اجاره دار از مشارکت حذف می‌شوند.

۳-۱. ملموس بودن مزایا و منافع:

کشاورزان ممکن است از میان دو نوع بندر جدیدی که یکی محصولات بیش‌تری تولید می‌کند و دیگری در برابر خشکسالی مقاوم‌تر است، اولی را زودتر قبول کنند. مزایا و منافع حاصل از بندر مقاوم در برابر خشکسالی ممکن است، حتی در صورت وقوع خشکسالی نیز ملموس نباشد؛ چرا که هیچ گونه معیار مقایسه برای آن وجود ندارد.

۴-۱. احتمالات در مزایا و منافع:

کشاورزان دارای زمین‌های بزرگ‌تر، در

مقایسه با کشاورزان دارای زمین های کوچک تر، احتمالاً تمایل بیش تری برای مشارکت در یک پروژه کشت پنبه از خود نشان خواهند داد؛ زیرا در صورت شکست طرح استفاده از بذر جدید کشت پنبه یا تنزل قیمت ها نیز هنوز به اندازه کافی زمین خواهند داشت که برای خانواده های خویش محصول غذایی کشت کنند. هرچه ضریب خطر پذیری در یک پروژه بالاتر برود، مشارکت کنندگان بیش تری از آن خارج خواهند شد.

۵-۱. فوریت دستیابی به مزایا و منافع: کشاورزان از میزان سود پروژه احساس یکدلی کمتری خواهند داشت. به عنوان مثال، خود به جای کمک خواهند کرد و پروژه ای همچون جنگل خا، به احتمال زیاد مشارکت هر پروژه نداشت. با انتخاب خواهند کرد؛ زیرا خود پروژه توهم با به مدت بیش تری برآید بهره مند شدن از غیر با و منافع غیر کنند.

۵-۲. تقسیم پذیری مزایا و منافع: مقدار سود کسب شده در یک پروژه به میزان سرمایه گذاری بستگی دارد. هر چه سرمایه گذاری بیشتر، سود بیشتری به دست می آید. در مقایسه با پروژه ای که سود کمتری به دست می آید، به دست می آید. با محدودیت مشارکت خواهد بود. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

یک برنامه سوادآموزی بزرگسالان که در آن از درون داد محلی استفاده نمی شود، در صورت بی توجهی به خواسته های مردم محلی برای نقش داشتن در انتخاب و طرد آموزگاران یا طرح های درسی، کاهش خواهد یافت.

۹-۱. دسترسی به مجریان: مشارکت در پروژه تشویق صنایع دستی محلی در صورتی افزایش می یابد که صنعتگران بتوانند با افراد مسؤل کنترل کارکنان پروژه و تأمین کننده بودجه آن ملاقات کنند و پیشنهادهای خود را از کانال آن ها عملی سازند.

۹-۲. پوشش (شمول) اجرایی: با این پروژا نسبت کمتری از کشاورزان درگیر می شوند. کشاورزان و اعضای خانواده های آنها در تصمیم گیری ها مشارکت می کنند. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

۹-۳. دسترسی به منابع: دسترسی به منابع مالی و انسانی می تواند موفقیت یک پروژه مشارکتی را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

۹-۴. دسترسی به اطلاعات: دسترسی به اطلاعات می تواند موفقیت یک پروژه مشارکتی را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

از عوامل را به شرح زیر شناسایی کرده ایم که افراد فعال در سطح روستایی بی درنگ متوجه آن ها خواهند شد:

۱-۲. عوامل فیزیکی و بیولوژیک: طولانی شدن فصل بارندگی ممکن است برگزاری مرتب نشست های تعاونی در طول سال را غیرممکن سازد؛ زیرا جاده ها و مسیرهای رفت و آمد غیر قابل استفاده می شوند. یا باروری ضعیف خاک برای کشاورزان دارای زمین های مرتفع ممکن است به معنای آن باشد که باید در مقایسه با

کشاورزان زمین های پست بیش تر تلاش کنند. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

۱-۳. عوامل اقتصادی: دسترسی به منابع مالی و انسانی می تواند موفقیت یک پروژه مشارکتی را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

۱-۴. عوامل اجتماعی: دسترسی به اطلاعات می تواند موفقیت یک پروژه مشارکتی را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

۱-۵. عوامل فرهنگی: دسترسی به منابع مالی و انسانی می تواند موفقیت یک پروژه مشارکتی را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.

۱-۶. عوامل سیاسی: دسترسی به اطلاعات می تواند موفقیت یک پروژه مشارکتی را افزایش دهد. به عنوان مثال، اگر یک پروژه مشارکتی در یک منطقه محروم، در صورت موفقیت به دست می آید، از سود آن، احتمالاً افرادی که سرمایه گذاری نکرده اند، به دست می آورند. این نوع تقسیم سود، احتمالاً مشارکت را کاهش می دهد.



شوند. یا ممکن است طرز تلقی های کلی درباره وفاداری به خانواده و رقابت های درون خانوادگی، مانع از فعالیت انجمن های کشاورزی شوند.

۶-۲. عوامل تاریخی: تجربه قبلی درباره پروژه ای که بذره های برنج در آن نتوانستند رشد کنند، ممکن است پذیرش انواع جدیدتر بذر برنج پرمحصول را دشوار کند. یا سابقه اختلاس از صندوق های خودیاری ممکن است، موجب بی اعتمادی بسیاری از مردم محلی به پروژه های توسعه جدید شود.

میزان مشارکت مردم در امور، برای مثال در تصمیم گیری ها، به میزان بهره گیری آنان از نتایج حاصل از مشارکت بستگی دارد

هیچ گونه فهرست جادویی از عوامل مهم و حیاتی وجود ندارد، بلکه برنامه ها و پروژه ها باید در برابر آن ها و تأثیرات احتمالی آن ها حساس باشند. یا اتخاذ چنین رویکردی، احتمال دستیابی به هدف های تعیین شده افزایش خواهد یافت و موانع موجود بر سر راه مشارکت از میان برداشته خواهند شد.

ج) هدف از مشارکت چیست؟

مشخص ساختن هدف های مشارکت از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع، این پرسش که مشارکت چه ضرورتی دارد، می تواند چهارمین بعد مهم مشارکت تلقی شود. از آن جا که هدف ها و علت های مشارکت بیش تر ماهیت منجر آوری و ضروری دارند، در نتیجه احتمال پدید آمدن اختلاف دیدگاه درباره مشخص ساختن علت مشارکت بیش از ابعاد توصیفی آن است که بیش از این مورد بحث قرار گرفتند. دلایل بسیار زیادی

می توان برای ضرورت مشارکت ذکر کرد. دشواری در ایجاد چارچوبی تحلیلی برای مشخص ساختن هدف های مشارکت از آن جا ناشی می شود که ارزیابی و حتی شالوده اصلی چنین هدف هایی به منظری که از آن به این مقوله نگاه می شود، بستگی دارد. تشویق کشاورزان به کاشت گونه های جدید ذرت و استقبال کشاورزان از این برنامه، ممکن است از دیدگاه برخی از افراد، گامی در جهت کاستن از میزان کمبود مواد غذایی در کشور تلقی شود و حتی برخی این گونه کشاورزان را به تلاش در جهت تثبیت رژیم متهم کنند، در حالی که کشاورزان روی آوردن به کشت گونه های جدید ذرت را اقدامی در جهت افزایش درآمد خانواده خود تلقی می کنند.

هدف از مشارکت نیز همانند هدف های دیگر، ممکن است آزادی یا غیرآزادی، اعلام نشده یا اعلام شده، تحقق یافته یا تحقق نیافته باشد. بی تردید، مشخص شدن علت مشارکت و تشویق به مشارکت نکته حائز اهمیتی است، اما نتایج به دست آمده از تحلیل و ارزیابی هدف های مشارکت نمی تواند به گونه ای جدی به پرسش های مربوط به ابعاد سه گانه ای که پیش از این به آن ها اشاره شده، پاسخ دهد؛ پرسش هایی مانند این که: آیا هدف هایی که مقامات دولتی برای تشویق مردم به مشارکت در ذهن خود دارند، همان هدف یا سازگار با هدفی است که مردم برای مشارکت در نظر دارند؟ آیا هدف هایی که دولت ها برای مردم مشخص می کنند، همان هدف های مورد نظر مردم است؟

می دانیم که برخی ابهامات و حتی موانع بر سر راه هدف های مورد نظر مشارکت قرار دارند. دنبال کردن هدف های بدخواهانه، همچون تشویق به مشارکت انتقادی مردم با هدف شناسایی عناصر ناباب را نمی توان انکار کرد (برخی بر این باورند که دولت چین در به راه انداختن جنبش موسوم به «بگذار یک هزار گل

شکوفای شود»^۳، چنین هدفی را دنبال می کرده است). از سوی دیگر، فرصت هایی که یک دولت برای مشارکت فراهم می آورد، ممکن است برای سرنگونی آن به کار گرفته شوند.

در زمینه هدف های مشارکت، امکان دارد پرسش هایی در مورد کسانی که احتمالاً از مشارکت سود می برند، مطرح شود؛ پرسش هایی با این مضمون که: مشارکت برای کی؟^۴ به گفته هولم^۲، شوراها توسعه روستایی در «بوتسوانا» فقط تحت کنترل شدید سیاسی و اداری اجازه فعالیت داشتند و دولت هیچ گونه کمکی برای اجرای طرح های محلی ارائه نمی داد. به همین علت به اعتقاد او، مشارکت مردمی در بوتسوانا در واقع ابزاری برای سیطره دیوان سالاری بر فرایند نوسازی روستاها محسوب می شود. این برداشت ممکن است درست یا نادرست باشد و همچنین ممکن است در نقاط دیگر نیز رواج داشته باشد یا نداشته باشد، اما به هر حال در ارزیابی مشارکت، این که چه کسی از مشارکت سود می برد، پرسش موجهی محسوب می شود. برخی عقیده دارند، فعالیت هایی که هولم به آن ها اشاره می کند، مشارکت محسوب نمی شوند. پیشنهاد ما این است که از پیامدهای فعالیت ها ارزیابی های کیفی به عمل آید. در ارزیابی ها باید مشخص شود، چه کسی و چگونه در تصمیم گیری ها و اجرای تصمیمات مشارکت می کند و چه کسی از منافع حاصل از مشارکت سود می برد. ارزیابی به عمل آمده باید به دقت مشخص کند که مشارکت برای چه کسی و با چه هدفی صورت می گیرد.

د) نتیجه گیری

ما و همکارانمان، در چارچوب آنچه در این مقاله تشریح شد، دریافتیم که:

۱. مشارکت مقوله واحدی نیست، بلکه بحث یا فصلی است که فعالیت های منجر آوری اما مرتبط با یکدیگر را می توان در قالب آن

